



بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۲۰): الزامات سیاستی پیوست اجتماعی و ارائه احکام پیشنهادهای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۰۸۷
کد موضوعی: ۲۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۴/۱۲

عنوان گزارش:
بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۲۰):
الزامات سیاستی پیوست اجتماعی و ارائه احکام پیشنهادی

نام دفتر:
مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین:
سامان یوسف‌وند

ناظران علمی:
مهدی مختاری‌پیام، محسن کرمانی

ناظر خارجی:
احمد ملاکی (استاد دانشگاه)

اظهار نظر کنندگان:
محمد فکری، فاطمه محمدی، مرتضی گنجی، فرشید خضری

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد

گرافیک و صفحه آرایی:
محمد دهقانی شهبابی



واژه‌های کلیدی:
۱. حکمرانی اجتماعی
۲. پیوست اجتماعی
۳. قوانین برنامه
۴. لایحه برنامه هفتم توسعه



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۶	خلاصه مدیریتی.....
۸	مقدمه.....
۹	رویکرد نظری.....
۱۱	سابقه موضوعی پیوست‌نگاری در ایران.....
۱۳	کاستی‌های پیوست‌نگاری در ایران.....
۱۴	احکام ناظر بر پیوست‌نگاری در لایحه برنامه هفتم توسعه.....
۱۵	جمع‌بندی و پیشنهادها.....
۱۶	منابع و مآخذ.....

فهرست جداول و اشکال

۱۴	جدول ۱. فهرست مواد مرتبط با پیوست‌نگاری در لایحه برنامه هفتم توسعه.....
۱۱	شکل ۱. انواع پیوست‌نگاری/ارزیابی تأثیر در ایران.....



بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۲۰): الزامات سیاستی پیوست اجتماعی و ارائه احکام پیشنهادی

چکیده



تحقق پیوست‌نگاری اجتماعی را می‌توان به‌عنوان بستری برای جبران این نقیصه تلقی کرد که ماهیت فرابخشی بودن امر اجتماعی (ناظر بر تحقق سیاست‌های پیشگیرانه و کاهش شکاف طبقاتی) را نشان می‌دهد. در این راستا در چارچوب برنامه هفتم توسعه به‌عنوان مهم‌ترین گلوگاه سیاستی کشور، پیشنهاد می‌شود که خلأ ساختاری و نهادی مربوط به موضوع پیوست‌نگاری در ایران در نظر گرفته شود و با تأسیس «ستاد ملی پیوست اجتماعی» بتوان الزامات و بسترهای تحقق این امر مهم را فراهم آورد.

تحقق پیوست‌نگاری اجتماعی نوعی تضمین برای عادلانه شدن اقدامات توسعه به‌ویژه در راستای منافع گروه‌های حاشیه‌ای و بی‌صدای جامعه به‌شمار می‌رود، اما غلبه تفکرات غیر اجتماعی بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از جمله مسائل و مشکلاتی است که فهم واقعی پدیده‌های اجتماعی را از ساحت حکمرانی اجتماعی دور کرده است. از آنجایی که نظام اجتماعی ماهیتی فرابخشی دارد؛ باید آن را به‌مثابه نظام جامع سیاستگذاری اجتماعی مدنظر قرار داد و قلمروهای نظام اجتماعی و فرهنگی از قابلیت لازم برای کنترل سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر دستگاه‌ها و بخش‌های اقتصادی کشور برخوردار باشند. در این مسیر

خلاصه مدیریتی



اخیر نشان می‌دهد، علی‌رغم تلاش‌های نظام حکمرانی در قانونگذاری و نگارش انواع اسناد سیاستی، چرخه سیاستگذاری اجتماعی در ایران تکمیل نشده است و با سیاستگذاری‌های شتاب‌زده، عرصه را بر خود تنگ‌تر کرده و خسارت‌های جبران‌ناپذیر را متوجه جامعه کرده است. زیرا تاکنون مبنای عمده تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت یک‌سویه و متکی بر منطق اقتصادی، مهندسی، سیاسی و با حقوقی بوده و کمتر سویه

نظام حکمرانی زنجیره‌ای به‌هم پیوسته از اضلاع گوناگونی است که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و کارکردهای هر ضلع آن به عملکرد فعالیت‌های فرابخشی بستگی دارد. بنابراین ایجاد توازن و تعادل در نظام سیاستی از جمله ملزومات حکمرانی اجتماعی است. زیرا رویکرد صرفاً بخشی نمی‌تواند سرریز ناکارآمدی حوزه‌های دیگر را پوشش دهد. مرور تصمیمات و اقدامات کنشگران عرصه نظام حکمرانی طی دهه‌های

اجرای طرح (پروژه) های تملک دارایی های سرمایه ای کلان، براساس شیوه نامه ای که به پیشنهاد مشترک سازمان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب هیئت وزیران می رسد، نسبت به تهیه پیوست فرهنگی - اجتماعی اقدام نمایند.

■ حذف بند «ث»، جزء «۳» ماده (۱۰۳): تهیه پیوست پدافند غیرعامل برای طرح های حساس جدید کشور و الزام به رعایت و اجرای آن.

■ الحاق جز «۱» به بند «پ» ماده (۸۵):
دلایل توجیهی:

■ تحقق بند «۹» سیاست های کلی تأمین اجتماعی مبنی بر الزام دستگاه ها به تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای برنامه ها و طرح های کلان ملی،

■ تحقق بند «۹» سیاست های کلی قانونگذاری مبنی بر ابتنا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون،

■ تعدد پیوست های اجتماعی، فرهنگی، سلامت، محیط زیست و غیره که تاکنون بیش از ۱۲ پیوست مورد اشاره و تأکید سیاستگذار بوده است،
■ فقدان ساختار نهادی موضوع پیوست اجتماعی و فرهنگی در نظام حکمرانی،

■ کم توجهی سیاستگذاران به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تصمیمات و مداخلات آنها،

■ عدم ضمانت اجرایی احکام قانونی پیشین مربوط به پیوست اجتماعی و فرهنگی.

حکم پیشنهادی:

جز «۱» - دولت مکلف است به منظور ساماندهی پیوست نگاری طرح های کلان کشور ساز و کاری را طی سال اول برنامه ایجاد نماید تا همه جوانب مرتبط با طرح های کلان با اولویت طرح های تملک و دارایی های سرمایه ای مورد بررسی قرار گیرد.

به منظور پیش بینی و مدیریت پیامدها، اعمال الزامات و استانداردهای اجتماعی - فرهنگی در سیاست ها، طرح ها و برنامه های مهم و کلان کشور «ستاد ملی پیوست اجتماعی» با عاملیت سازمان برنامه و بودجه، تحت نظارت شورای اجتماعی کشور و همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های ذی ربط تشکیل گردد.

آیین نامه اجرایی این بند تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه هفتم توسعه به تصویب هیئت وزیران می رسد.

جزء «۲» - اجرایی شدن پیوست اجتماعی به منظور پیشگیری از ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی مبتنی بر برنامه های مصوب شورای اجتماعی کشور شامل برنامه ها و طرح های کلان توسعه ای، با توجه به آثار محیطی آنها به ویژه برای صدور مجوز به طرح های موضوع ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲).

اجتماعی داشته است. این شیوه سیاستگذاری باعث شده طرح ها و ایده های سیاستی یا به اجرا در نیایند و یا در صورت اجرا، در مدت کوتاهی به ضد ایده اولیه خود تبدیل شوند و حتی مقاومت های اجتماعی برای اجرای سیاست ها به وجود آورند.

در این مسیر تحقق پیوست اجتماعی را می توان به عنوان بستری برای جبران این نقیصه تلقی کرد که ماهیت فرابخشی بودن امر اجتماعی (ناظر بر تحقق سیاست های پیشگیرانه و کاهش شکاف طبقاتی) را نشان می دهد. زیرا پیوست اجتماعی نوعی تضمین برای عادلانه شدن اقدامات توسعه به ویژه در راستای منافع گروه های حاشیه ای و بی صدای جامعه به شمار می رود. از این رو؛ باید آن را به مثابه نظام جامع سیاستگذاری اجتماعی مدنظر قرار داد و امکانی را فراهم کرد که قلمروهای نظام اجتماعی از قابلیت لازم برای کنترل سیاست ها و برنامه های دیگر دستگاه ها و بخش های اقتصادی کشور برخوردار باشند.

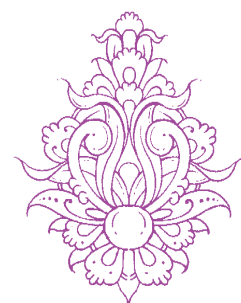
در این چارچوب قوانین برنامه توسعه به عنوان گلوگاه سیاستی در نظام سیاستگذاری اجتماعی در کشور، از مهم ترین پنجره های خطمشی گذاری محسوب می شود که از این طریق می توان نگاه اجتماعی و فرهنگی را در فرایند اداره امور کشور و مداخلات توسعه ای تزریق کرد. در این مطالعه با مرور سابقه موضوعی، قانونی و کاستی های پیوست نگاری در ایران نشان داده شد که موضوع ارزیابی تأثیر یا پیوست نگاری در ایران از دهه ۱۳۷۰ مورد توجه سیاستگذاران واقع شده است و در راستای این امر قوانین و مقرراتی را مصوب کرده اند، تا حدی که امروزه در حدود ۱۲ پیوست با عناوینی از قبیل پیوست اجتماعی، فرهنگی، سلامت، خانواده، زیست محیطی، اقتصادی، قانون، تأمین اجتماعی، عدالت، کاهش خطر، پدافند غیرعامل، میراث فرهنگی و گردشگری و غیره در نظام حکمرانی کشور وجود دارد که از انسجام لازم برخوردار نیستند.

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد موضوع پیوست اجتماعی در نظام سیاستگذاری در حاشیه واقع شده است و صرفاً در گفتار سیاستگذار و در نهایت در متون سیاستی شاهد نگارش این مضامین هستیم، زیرا اساساً دولت ها و مراجع سیاستگذار در صحنه اتخاذ تصمیم نسبت به امر اجتماعی و فرهنگی کم توجه هستند و اخیراً حوزه اجتماعی و فرهنگی را به عنصر پیوست رسانه ای برای توجیه عملکرد خود تقلیل داده اند.

در این راستا در چارچوب برنامه هفتم توسعه به عنوان مهم ترین گلوگاه سیاستی کشور، پیشنهاد می شود که خلأ ساختاری و نهادی مربوط به موضوع پیوست نگاری در ایران در نظر گرفته شود و با تأسیس «ستاد ملی پیوست اجتماعی» بتوان الزامات و بسترهای تحقق این امر مهم را فراهم آورد.

پیشنهادهای:

■ حذف بند «پ» ماده (۱۹): دستگاه های اجرایی مکلفند قبل از



مقدمه

بدیهی است که نظام حکمرانی مجموعه‌ای از زنجیره‌های به هم پیوسته‌ای هستند که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ از این رو، کارکردهای نظام اجتماعی-فرهنگی به عملکرد فعالیت‌های فرابخشی آن بستگی دارد و رویکرد صرفاً بخشی نمی‌تواند سرریز ناکارآمدی حوزه‌های دیگر را پوشش دهد. مرور تصمیمات و اقدامات کنشگران عرصه نظام حکمرانی طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد، علی‌رغم تلاش‌های نظام حکمرانی در قانونگذاری و نگارش انواع اسناد سیاستی، چرخه سیاستگذاری اجتماعی در ایران تکمیل نشده است. در چنین شرایطی سیاستگذار برای پوشش ضعف‌ها و کاستی‌های گذشته با سیاستگذاری جدید و شتاب‌زده، عرصه را بر خود تنگ‌تر کرده و خسارت‌های جدیدی را متوجه جامعه کرده است. زیرا تاکنون مبنای عمده تصمیم‌گیری‌ها به صورت یک‌سویه و متکی بر منطق اقتصادی، مهندسی، سیاسی و یا حقوقی بوده و کمتر سویه اجتماعی داشته است. این شیوه سیاستگذاری باعث شده طرح‌ها و ایده‌های سیاستی یا به اجرا در نیایند و یا در صورت اجرا، در مدت کوتاهی به ضد ایده اولیه خود تبدیل شوند و حتی مقاومت‌های اجتماعی برای اجرای سیاست‌ها به وجود آورند.

بررسی مصوبات طی سال‌های اخیر به وضوح مؤید ضعف سیاست اجتماعی در قوانین و مقررات است، به طوری که این مصوبات نه تنها دارای پیوست اجتماعی نیستند؛ بلکه بعضاً از دایره عدالت اجتماعی نیز خارج هستند. عدم التفات دستگاه تقنین و مجری به مقوله پیوست اجتماعی (ارزیابی تأثیرات اجتماعی) عامل بسیار مهم در عدم نتیجه بخشی مؤثر و ارزشمند طرح‌ها و عدم دستیابی به اهداف بسیاری از قوانین و مقررات به حساب می‌آید. طرح مسکن مهر، هدفمندی یارانه‌ها، طرح تحول سلامت، سهمیه بندی بنزین، حذف ارز ترجیحی و غیره از جمله طرح‌ها و برنامه‌هایی هستند که با منطق پیوست اجتماعی تهیه نشده‌اند، در صورتی که با تمهیدات و تعدیلات لازم، می‌توانست موجبات جامعه عادلانه، ارتقای رفاه اجتماعی و رضایت عمومی را فراهم آورد تا اینکه به ضد نیت اولیه خود تبدیل شوند و اعتراض، خشونت و ناآرامی را نتیجه دهند.

در این چارچوب قوانین برنامه توسعه به عنوان گلوگاه سیاستی در نظام سیاستگذاری اجتماعی در کشور، از مهم‌ترین پنجره‌های خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود که از این طریق می‌توان نگاه اجتماعی و فرهنگی را در فرایند اداره امور کشور و مداخلات توسعه‌ای تزریق کرد. یکی از عرصه‌هایی که در طول سال‌های متمادی به عنوان عنصر مغفول مانده برنامه‌ریزی بوده و با نگاه حداقلی به آن توجه شده، موضوع پیوست اجتماعی است. در این مطالعه تلاش بر آن است، احکام مرتبط با موضوع پیوست‌نگاری (در مضامین مختلف آن) در لایحه برنامه هفتم توسعه مورد بررسی قرار گیرد و پیشنهادهای سیاستی ناظر بر آن ارائه شود.



علمی سیاست پژوهی معنا می شود. ارزیابی تأثیر اجتماعی، یکی از حوزه های فرعی علوم اجتماعی است که با ایجاد مبنایی علمی، امکان ارزیابی نظام مند تأثیرات یک پدیده را پیش از بروز آن همچنین در حین اجرا و پس از اجرا^۱، بر کیفیت زندگی افراد و اجتماعی فراهم می کند که محیط آنها تحت تأثیر تغییر سیاست و خط مشی قرار دارد (بارج، ۱۳۹۰: ۱۷). ارزیابی تأثیرات اجتماعی علاوه بر کاربرد در پروژه های عمرانی قابل رؤیت و ملموس، در سیاست، برنامه و طرح نیز کاربرد داشته و پیامدهای اجتماعی این اقدامات بر جامعه را مورد بررسی قرار می دهد.

نخستین مرجع رسمی که در آن ارزیابی تأثیر اجباری شد؛ بیانیه اثرات زیست محیطی^۲ بود که در سال ۱۹۷۰ به قانون سیاست ملی محیط زیست^۳ در ایالات متحده افزوده شد. این بیانیه یک ساز و کار اجباری برای مشخص کردن چگونگی اجرای سیاست های زیست محیطی در فعالیت های اصلی توسعه ای آژانس های فدرال است. این رویکرد تبدیل به نقطه عطفی شد و به سرعت در چندین کشور دیگر به ویژه کانادا، استرالیا و نیوزیلند مورد استفاده قرار گرفت. این رویکرد به تدریج توسط تعداد فزاینده ای از کشورها در دهه های بعدی اتخاذ شد و بعد از کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ تقویت شد.

ارزیابی تأثیر در تألیفات مختلف به عنوان یکی از انواع یا روش ها یا مدل های ارزیابی در نظر گرفته شده است، اما صرف نظر از بر چسبی که برای آن اختیار شود ماهیت آن یکسان می ماند. ارزیابی تأثیر و ارزیابی فرایند را می توان دو نوع اصلی ارزیابی در نظر گرفت که مدل ها و روش های مختلف ارزیابی برای طراحی و اجرای این دو نوع اصلی توسعه یافته اند. ارزیابی تأثیر از ارزیابی هدف محور^۴ آغاز می شود و تا ارزیابی فارغ از هدف^۴ گسترده می شود. ارزیابی تأثیر را می توان با استفاده از علوم مختلف انجام داد؛ مثلاً با محدود کردن ارزیابی تأثیر به ارزیابی تأثیرات اجتماعی تنها آثار و پیامدهای اجتماعی مداخله بررسی می شود و مثلاً پیامدهای اقتصادی آن در نظر گرفته نمی شود، گرچه مفهوم «اجتماعی» را می توان چنان موسع در نظر گرفت که آثار فرهنگی و اقتصادی و مانند آن نیز در زمره تأثیرات اجتماعی قرار گیرد. به علاوه، ارزیابی در اساس یک تحقیق کاربردی اجتماعی است و آثار مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و غیره در بطن آن قرار می گیرد (امامی میبدی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۵).

سیاست اجتماعی در پی کنترل تضادهای ذاتی میان ذی مدخلان است. هر تصمیم یا سیاستی، عده ای را متضرر و عده ای را منتفع می کند. تصمیمات باید به نحوی اتخاذ شوند که برندگان احتمالی آن بیشتر از بازندگان باشند؛ با وجود این برخی از تصمیمات این گونه نیستند، برای نمونه سیاست حذف ارز ترجیحی، افزایش قیمت حامل های انرژی و غیره، طبقات پایین و متوسط را متضرر می کنند، درواقع بازندگان این تصمیم زیاد هستند و تنها طبقه مرفه و خود دولت در کوتاه مدت از آن منتفع می شوند، این در حالی است که تصمیم بهینه، تصمیمی است که برندگان آن بیشتر از بازندگان باشند. همچنین برای بازندگان نیز اقداماتی طراحی شود که ضرر و زیان آنها را کاهش داده و آنها را به سطحی از مزایا برساند. نباید به نحوی تصمیم گیری شود که اقشار آسیب پذیر همیشه جزء بازندگان قرار گیرند. در شرایطی که عرصه های سیاست گذاری بسته، محدود و غیر مشارکتی باشد و صدای گروه های در حاشیه شنیده نشود، بازندگان تصمیمات اتخاذی بیشتر از برندگان آن هستند، زیرا تصمیم سازی ها حکمت بنیان و مبتنی بر عقلانیت نبوده و با ملاحظات سلیقه ای صورت می گیرد. سیاست پژوهی با رویکرد اجتماعی می تواند تناقضات ذاتی میان ذی مدخلان را کاهش دهد و حتی در جاهایی تبعیض روا ایجاد کند. تبعیض روا برای بازندگانی است که سال ها از ریل قطار توسعه جامانده اند تا به این وسیله به حدی از مزایا برسند. به بیان دیگر سیاست اجتماعی در پی کنترل و خنثی سازی تمرکز قدرت است و زمانی تحقق می یابد که فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی به عنوان جزئی از فرایند برنامه ریزی و تصمیم گیری قرار گیرد. سیاست اجتماعی به زبان عامیانه «بی گذار به آب نزدن» است. مفاهیمی از قبیل رهایی بخشی، شنیدن صدای بی صداها، نزدیک شدن به عدالت و مقابله با عوامل فسادزا، پرهیز از تعجیل و تأخیر در تصمیم گیری و واقعیت اندیشی از مفاهیمی است که سیاست اجتماعی را قابل فهم تر می سازد.

مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) از جمله نحله های فکری مکمل سیاست اجتماعی هستند و به نوعی می توان گفت سیاست اجتماعی از مسیر التزام بخشی و پایبندی به نتایج ارزیابی تأثیر اجتماعی سیاست ها و مداخلات تجلی پیدا می کند. در این چارچوب فهم ساز و کارهای ارزیابی تأثیر اجتماعی ضرورت می یابد.

موضوع ارزیابی تأثیر و پیوست اجتماعی بیشتر از آنکه ساحتی نظری داشته باشد؛ ماهیتی نظری-روشی دارد و در چارچوب تکنیک های

1. Environmental Impact Statements (EIS).
2. National Environmental Policy Act (NEPA).
3. Goals-based Evaluation.
4. Goals-free Evaluation.



ذیل تعریف شده است:

سندی سیاستی با ماهیتی فرابخشی و الزام‌آور (در سه سطح پیشینی، فرآیندی و پسینی) و مشارکتی که در پی ارزیابی و برآورد پیامدهای احتمالی اقدامات توسعه‌ای، سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها در حوزه‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری است و تلاش می‌کند آثار توزیعی تغییر سیاست‌ها بر نظام ارزشی و رفاهی گروه‌های مختلف به‌ویژه کسانی را که تحت تأثیر مستقیم و غیر مستقیم این اصلاحات قرار می‌گیرند و خطرات این اصلاحات برای فقرا و گروه‌های آسیب‌پذیر را شناسایی کند تا از این طریق شرایط اجتماعی و فرهنگی موفقیت اقدامات توسعه را مطالعه و تأثیرات منفی اقدامات را پیش‌بینی کند و راهکارهایی برای حذر کردن یا کاستن (تعدیل و جبران) از تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات مثبت ارائه دهد.

از این رو ضرورت ایجاد می‌کند سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور برآمده از مطالعات علمی و روشمند بوده و پیش از تدوین کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ها، مطالعات پیوست اجتماعی و فرهنگی پیشینی صورت گرفته باشد. همچنین با اتکا به نتایج و برآورد پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این مطالعات، از آثار سوء احتمالی برنامه‌های کلان کشور بر جامعه جلوگیری شده و ضمن کاهش هزینه‌های اجتماعی، آثار مثبت طرح‌ها و برنامه‌ها تقویت شود. اهمیت این بخش از آن جهت است که ماهیت فرابخشی امر اجتماعی و فرهنگی در سطوح کلان حکمرانی را نشان می‌دهد و سیاستگذار را از بی‌توجهی به آثار و پیامدهای ناخواسته سیاست‌ها و برنامه‌ها آگاه می‌کند. از این رو، در این سطح انتظار می‌رود با رعایت پیوست اجتماعی، سرریز ناکارآمدی‌ها و اختلال کارکردی دیگر حوزه‌ها، بر حوزه بخشی اجتماعی و فرهنگی آوار نشود و نقشه نقش‌ها به خوبی ترسیم شود.

ارزیابی تأثیر حول این پرسش محوری انجام می‌شود: آیا مداخله مورد نظر تغییرات دلخواه را به وجود آورده است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا با توجه به اهداف مداخله، مفاهیم عملیات ارزیابی تدوین می‌شود، ملاک‌های موفقیت در دستیابی به اهداف تعیین و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری این ملاک‌ها تعریف می‌شود (مانهایم و ریچ، ۱۳۸۵: ۶۲۵). با اندازه‌گیری این شاخص‌ها میزان تحقق اهداف مورد انتظار مداخله سنجیده می‌شود. به این فرایند ارزیابی هدف محور اطلاق می‌شود که مطلوبیت مداخله را فرض گرفته و صرفاً دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده را پیگیری می‌کند.

ارزیابی تأثیر به ارزیابی هدف محور محدود نمی‌شود، بلکه با آن آغاز می‌شود. تنها دستیابی به اهداف مورد نظر کافی نیست، بلکه با بهره‌گیری از روش‌ها و فنون مختلف تحقیق، آثار جانبی و پیش‌بینی نشده مداخله اعم از مثبت و منفی را نیز بررسی می‌کند که اصطلاحاً به آن ارزیابی فارغ از اهداف گفته می‌شود. تا اینجا فرض گرفته می‌شود که نتایج حاصله، پیامد مداخله مورد نظر بوده، اما واقعیت جهان پویای اجتماعی، تأثیر متغیرهای مختلف پنهان و آشکار بر برنامه‌ها و سیاست‌هاست؛ لذا ارزیاب از طریق مقایسه نتایج به دست آمده با وضعیتی که مداخله مورد نظر اجرا نشده باشد به ارزیابی تأثیر مداخله اقدام می‌کند. به این امر ارزیابی مخالف^۱ گفته می‌شود که مشخص می‌کند نتایج به دست آمده واقعاً ناشی از مداخله مورد نظرند یا در نتیجه تأثیر متغیرها و مداخلات دیگر حاصل شده‌اند. از این طریق ارزیاب می‌تواند آثار واقعی و منفی مداخله را دریابد و در خصوص مطلوبیت یا عدم مطلوبیت مداخله قضاوت کند (امامی میبدی، ۱۳۸۹: ۲۶).

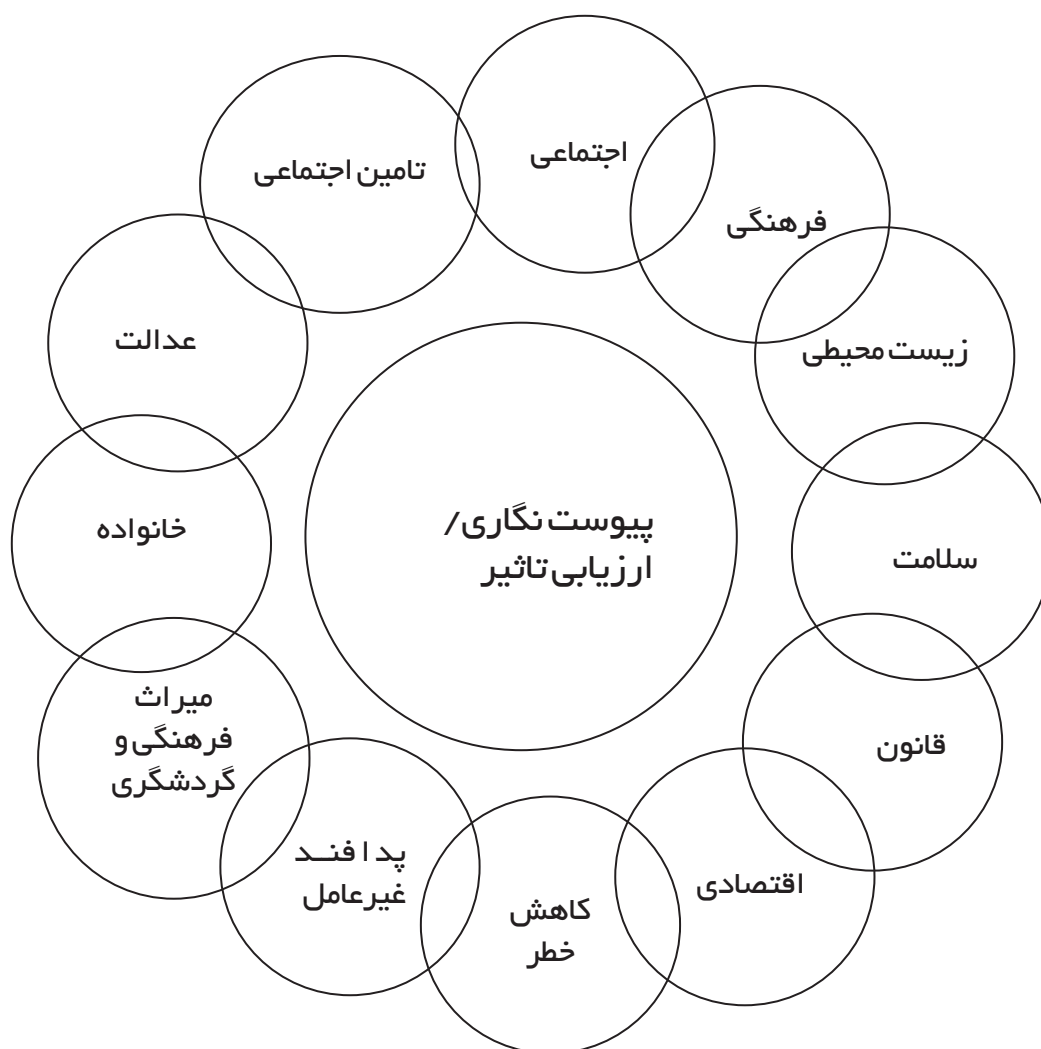
با انجام ارزیابی مخالف، ایده اصلی ارزیابی تأثیر تحقق می‌یابد. براساس مجموع تعاریف ارائه شده از موضوع ارزیابی تأثیر / پیوست اجتماعی و مفاهیم متناظر با آن، در این مطالعه پیوست اجتماعی به شرح

سابقه موضوعی پیوست‌نگاری در ایران



موضوع ارزیابی تأثیر یا پیوست‌نگاری در ایران از دهه ۱۳۷۰ مورد توجه سیاست‌گذاران واقع شده است و در راستای این امر قوانین و مقرراتی را مصوب کرده‌اند، تا حدی که امروزه در حدود ۱۲ پیوست با عناوینی از قبیل پیوست اجتماعی، فرهنگی، سلامت، خانواده، زیست‌محیطی، اقتصادی، قانون، تأمین اجتماعی، عدالت، کاهش خطر، پدافند غیرعامل، میراث فرهنگی و گردشگری و غیره در نظام حکمرانی کشور وجود دارد.

شکل ۱. انواع پیوست‌نگاری / ارزیابی تأثیر در ایران





پیوست زیست محیطی: همانند تجربه جهانی که نخستین ارزیابی تأثیر طرح‌های عمرانی با بررسی تأثیرات محیط زیستی شروع شد؛ در ایران نیز نخستین قوانین و تحقیقاتی که با عنوان اختصاصی «ارزیابی تأثیرات» انجام شد در حوزه ارزیابی زیست محیطی بوده است. الزام قانونی مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۷۳، پروژه‌های عمرانی در مقیاس بزرگ را موظف به ارزیابی تأثیرات زیست محیطی کرد؛ در این راستا از قانون برنامه دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه پیوست زیست محیطی مورد تأکید قرار گرفته است. در این حوزه تاکنون مطالعات بسیاری با عنوان «ارزیابی تأثیرات زیست محیطی» انجام شده است. این مطالعات عمدتاً توسط شرکت‌های مشاور دارای رتبه‌بندی از سازمان برنامه و بودجه انجام می‌شود و کیفیت علمی آنها به شدت متأثر از گروه تحقیقاتی نویسنده آن طرح و همچنین فشارهای گروه‌های ذی‌نفع از مقامات محلی تا مجری پروژه است.

پیوست اجتماعی: حوزه موضوعی که تحقیقات متعددی با روش‌های ارزیابی تأثیر در آن انجام شده مربوط به «ارزیابی تأثیرات اجتماعی» بوده است. در اوایل دهه ۱۳۸۰ ارزیابی تأثیرات اجتماعی برخی از پروژه‌های عمرانی وزارت نفت و نیرو توسط جامعه‌شناسان ایرانی انجام شد. طبق قوانین بانک جهانی برای پروژه‌های عمرانی که توسط این سازمان بین‌المللی تأمین مالی می‌شود، باید ارزیابی تأثیرات اجتماعی صورت گیرد و به همین دلیل برای پروژه دفع پسماند شهر تهران، شبکه فاضلاب شهری تهران و پروژه بهسازی مناطق حاشیه‌نشین برخی شهرهای ایران که توسط بانک جهانی تأمین مالی می‌شد؛ مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام شده است. مصوبه شورای شهر تهران در سال ۱۳۸۶ ارزیابی تأثیرات اجتماعی را برای تمامی پروژه‌های عمرانی شهرداری تهران الزامی کرد. علاوه بر این ماده (۸۰) قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶/۱/۱۶) نیز «تهیه و تدوین پیوست‌های اجتماعی در طراحی کلیه برنامه‌های کلان توسعه‌ای، ملی و بومی با توجه به آثار محیطی آنها و به منظور کنترل آثار یاد شده و پیشگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی با تصویب شورای اجتماعی کشور را الزامی کرده است.

پیوست فرهنگی: توجه به امر فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین بنیان‌های گفتمان انقلاب اسلامی نیز از جمله دغدغه‌هایی است که نظام حکمرانی از اوایل انقلاب مدنظر داشته و در ساحت سیاست‌گذاری و ساختارسازی تلاش کرده است ملاحظات فرهنگی را متذکر شود. تجلی این امر در موضوع پیوست‌نگاری فرهنگی را می‌توان در آیین‌نامه شورای

فرهنگ عمومی (۱۳۷۲/۱۰/۲۱) ناظر بر «بررسی آثار فرهنگی مرتبط بر سیاست‌ها و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی به منظور اطمینان از همسویی و عدم مغایرت آنها با اصول سیاست فرهنگی کشور و ابلاغ نتیجه به دستگاه‌های اجرایی» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی دید. علاوه بر این سوابق قانونگذاری در این رابطه را می‌توان در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷/۱۱/۲۱)، ماده (۲) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) (۱۳۸۹/۱۰/۱۵) و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹) ردیابی کرد.

پیوست سلامت: در امتداد موضوع پیوست‌نگاری، موضوع پیوست سلامت نیز در سال ۱۳۸۹ در ماده (۳۲) قانون برنامه پنجم توسعه مورد توجه قرار گرفت. بر مبنای این حکم تهیه و تدوین استانداردهای ملی پیوست سلامت برای طرح‌های بزرگ توسعه‌ای با پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید معاونت، الزام شده است. همچنین تهیه پیوست سلامت برای طرح‌های کلان توسعه‌ای در سیاست‌های کلی سلامت (۱۳۹۳/۱/۱۸) و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹) مورد تأکید قرار گرفته است. علی‌رغم اینکه قریب به ۱۰ سال از شروع این نوع از مطالعات در ایران می‌گذرد و شاخص‌ها و مراتب قانونی آن کاملاً تصریح شده است، اما در عمل همچنان بسیاری از پروژه‌های عمرانی بدون این نوع مطالعات اجرایی می‌شوند. همانند ارزیابی تأثیرات زیست محیطی نتایج مطالعات ارزیابی تأثیر سلامت نیز به صورت عمومی منتشر نمی‌شود و همین وضعیت امکان ارزیابی کیفیت و کمیت آنها را دشوار کرده است.

علاوه بر موارد فوق در نظام حکمرانی کشور پیوست‌های دیگری نیز در دستور کار بوده است که عمدتاً متأثر از منطق پایه ارزیابی تأثیر اجتماعی بوده است. برای مثال می‌توان به بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (۱۳۹۸/۷/۶) مبنی بر «ابتنا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون»، بند «۹» سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی ناظر بر «الزام به تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان کشور»، قانون برنامه پنجم و ششم توسعه مبنی بر «تهیه پیوست پدافند غیرعامل برای طرح‌های حساس جدید کشور و الزام به رعایت و اجرای آنها پس از تصویب کمیته دائمی پدافند غیرعامل از منابع دستگاه مربوطه آن»، موضوع پیوست خانواده مورد تأکید در نقشه مهندسی کشور (۱۳۹۱/۱۲/۱۵) و در نهایت مصوبه ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۰/۴/۱۲) در خصوص «تجمیع و یکپارچه‌سازی اجرای پیوست‌های حوزه فرهنگ در طرح‌ها و برنامه‌های مهم و کلان» اشاره کرد.

کاستی‌های پیوست‌نگاری در ایران



- فقدان ساختار نهادی موضوع پیوست اجتماعی در نظام حکمرانی،
- تعدد و تشتت پیوست‌ها و عدم انسجام میان آنها (۱۲ پیوست)،
- متمرکز بودن مطالعات ارزیابی تأثیرات بر پروژه‌های عمرانی،
- بی‌توجهی و مغفول ماندن حوزه ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح کلان،
- عدم تبعیت از قواعد علمی، روشمند و چارچوب‌های استاندارد بین‌المللی مطالعات ارزیابی تأثیر،
- این مطالعات عمدتاً با رویکرد اقتصادی و حقوقی، فرایند ارزیابی تأثیر را انجام داده‌اند،
- فقدان چارچوب نهادی مناسب برای فعالیت‌های فرارشته‌ای،
- عموماً رویکردهای اجتماعی در فرایند ارزیابی دیده نمی‌شوند،
- پسینی بودن مطالعات ارزیابی تأثیر،
- غفلت از مطالعات ارزیابی تأثیر پیشینی،
- غیرمشارکتی بودن مطالعات ارزیابی تأثیر،
- در دسترسی نبودن گزارش مطالعات ارزیابی تأثیر،
- عدم جدیت نظام حکمرانی به انجام مطالعات ارزیابی تأثیر،
- ضعف نگاه اجتماعی در سازمان‌های بوروکراتیک برنامه‌ریزی توسعه در کشور،
- عدم ضمانت اجرایی و لازم‌الاجرا نبودن مطالعات ارزیابی تأثیر.

اگرچه سیاستگذار برای کاهش آثار سیاست‌ها به تعدد و تشتت پیوست‌ها پناه برده است و مرزها و حریم‌هایی میان آن ایجاد کرده است؛ اما باید افزود که مشکلات زندگی مردم، مقید به رعایت حریم رشته‌های علمی نیستند و در درون مرزهای قراردادی سیاست‌گذاران بروز و ظهور نمی‌یابند؛ یعنی مسائل جهان واقعی، ملاحظه محدوده‌های رشته‌های علمی را نمی‌کنند و به مرزهای رشته‌ها، اهمیتی نمی‌دهند. بنابراین نمی‌توان آنها را در حصارهای تک‌رشته‌ای تحلیل کرد. از این رو، امروزه بیش از پیش نیازمند تقویت نگاه میان‌رشته‌ای و حتی فرارشته‌ای در فرایندهای خط‌مشی‌گذاری هستیم. زیرا مسائل و پدیده‌های اجتماعی که امروزه موضوع خط‌مشی‌گذاران هستند، سطوح پیچیده و چندجانبه دارند و از آنجایی که این موضوعات در سطوح بالای سیستم‌های اجتماعی قرار دارند، آینده‌نگری و پیش‌بینی در میان آنها به مراتب سخت‌تر از دیگر علوم است؛ زیرا سیستم‌های اجتماعی در پیچیده‌ترین سطح آزمایش قرار دارند. بنابراین عدم انسجام نظری و یکپارچه نبودن ادبیات سیاستگذار در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی نیز محل نقد است. از این رو؛ این نوع پیوست‌نگاری‌ها به الزاماتی فرابخشی نیاز دارند که تاکنون در هیچ حوزه‌ای فراهم نبوده است. براساس بررسی‌های انجام شده پیوست‌نگاری در ایران با کاستی‌هایی از قبیل موارد زیر مواجه است:



احکام ناظر بر پیوست‌نگاری در لایحه برنامه هفتم توسعه

با توجه به اهمیت موضوع پیوست اجتماعی و فرهنگی در تکمیل چرخه نظام سیاست‌گذاری، در لایحه برنامه هفتم توسعه نیز تلاش شده است در سه فصل احکامی مرتبط با این موضوع ارائه شود. فصل ۳- اصلاح ساختار بودجه: ماده (۱۹)، بند «پ»، فصل ۱۸ ارتقای سلامت اجتماعی: ماده (۸۵)، بند «پ»، فصل ۲۲- دفاعی و امنیتی: ماده (۱۰۳): بند «ث»، جزء «۳»، از جمله احکامی است که در لایحه برنامه هفتم توسعه به موضوع پیوست‌نگاری در ایران اختصاص داده شده است.

جدول ۱. فهرست مواد مرتبط با پیوست‌نگاری در لایحه برنامه هفتم توسعه

ردیف	مواد مرتبط با پیوست‌نگاری در لایحه برنامه هفتم توسعه
۱	فصل ۳- اصلاح ساختار بودجه: ماده (۱۹)، بند «پ»: (پ) دستگاه‌های اجرایی مکلفند قبل از اجرای طرح (پروژه) های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کلان، براساس شیوه‌نامه‌ای که به پیشنهاد مشترک سازمان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، نسبت به تهیه پیوست فرهنگی- اجتماعی اقدام نمایند.
۲	فصل ۱۸- ارتقا سلامت اجتماعی: (۸۵)، بند «پ»: (پ) اجرایی شدن پیوست اجتماعی به‌منظور پیشگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مبتنی بر برنامه‌های مصوب شورای اجتماعی کشور شامل برنامه‌ها و طرح‌های کلان توسعه‌ای، با توجه به آثار محیطی آنها به‌ویژه برای صدور مجوز به طرح‌های موضوع ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲).
۳	فصل ۲۲- دفاعی و امنیتی: ماده (۱۰۳): بند «ث»، جزء «۳»: تهیه پیوست پدافند غیرعامل برای طرح‌های حساس جدید کشور و الزام به رعایت و اجرای آن.

کاستی‌های لایحه برنامه هفتم توسعه در حوزه پیوست اجتماعی

■ آن‌گونه که در لایحه قانون برنامه هفتم توسعه اشاره شده است؛ این لایحه با رویکرد تحقق رشد اقتصادی عدالت‌محور و با هدف تحقق رشد اقتصادی سالیانه هشت درصد تدوین شده است. به موازات رویکرد اقتصادی مندرج در این لایحه، تلاش شده است در حوزه‌های مختلف از قبیل اصلاح نظام بانکی و مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی، بهبود نظام مدیریت یکپارچه منابع آب، رفع ناترازی‌های انرژی، تسریع در اجرای طرح‌های کلان پیشران و زنجیره ارزش، توسعه ساخت مسکن، افزایش سهم ترانزیت و اقتصاد دریامحور در اقتصاد و غیره احکامی ارائه نماید. موضوعاتی که هر کدام در قالب یک طرح و برنامه کلان تعریف می‌شوند و با استناد به بند «۹» سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی مبنی بر «الزام به تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان کشور» نیازمند داشتن پیوست تأمین اجتماعی هستند. این در حالی است که لایحه ارائه شده فاقد هرگونه پیوست و سند پشتیبانی است که بر مبنای آن بتوان ملاحظات و دلایل ارائه این احکام را فهم کرد. بنابراین می‌توان یکی از مهم‌ترین

کاستی‌های لایحه برنامه هفتم توسعه را بی‌توجهی به امر اجتماعی در نظام سیاست‌گذاری دانست.

■ احکام ارائه شده در هریک از فصول لایحه برنامه بنابر ماهیت گسترده و بلند مدت بودن آنها مؤید پیامدها و آثاری است که در صورت بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی می‌تواند بر عکس نتایج مورد انتظار، هزینه‌های اجتماعی را بر جامعه تحمیل نماید و اجرای قانون متناسب با نیت قانونگذار و مجری پیش نرود.

■ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از میان ۱۲ پیوستی که در نظام برنامه‌ریزی کشور در طی سال‌ها وجود داشته است، در لایحه برنامه هفتم توسعه بی‌آنکه دلایل توجیهی مناسب برای غفلت از دیگر پیوست‌ها ذکر شده باشد؛ به‌صورت پراکنده صرفاً در سه حکم به موضوع پیوست اجتماعی، فرهنگی و پدافند غیرعامل اشاره شده است و بی‌توجه به دیگر پیوست‌های مصوب از قبیل پیوست عدالت، پیوست سلامت، پیوست زیست‌محیطی، پیوست خانواده، و غیره تدوین شده است.

■ عدم انسجام و ناهم‌نگی در میان فصول و احکام مرتبط با موضوع پیوست اجتماعی- فرهنگی در لایحه برنامه هفتم توسعه وجود دارد.

■ احکام مرتبط با موضوع پیوست اجتماعی از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند.



■ حذف بند «ث»، جزء «۳» ماده (۱۰۳): تهیه پیوست پدافند غیرعامل برای طرح‌های حساس جدید کشور و الزام به رعایت و اجرای آن.
■ الحاق جز «۱» به بند «پ» ماده (۸۵):

دلایل توجیهی:

■ تحقق بند «۹» سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی مبنی بر الزام دستگاه‌ها به تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای برنامه‌ها و طرح‌های کلان ملی،

■ تحقق بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مبنی بر ابتنا به نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون،

■ تعدد پیوست‌های اجتماعی، فرهنگی، سلامت، محیط زیست و غیره که تاکنون بیش از ۱۲ پیوست مورد اشاره و تأکید سیاستگذار بوده است،
■ کم‌توجهی سیاستگذاران به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تصمیمات و مداخلات آنها،

■ عدم ضمانت اجرایی احکام قانونی پیشین مربوط به پیوست اجتماعی و فرهنگی.

حکم پیشنهادی

جز «۱» - دولت مکلف است به منظور ساماندهی پیوست‌نگاری طرح‌های کلان کشور ساز و کاری را طی سال اول برنامه ایجاد نماید تا همه جوانب مرتبط با طرح‌های کلان با اولویت طرح‌های تملک و دارایی‌های سرمایه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

به منظور پیش‌بینی و مدیریت پیامدها، اعمال الزامات و استانداردهای اجتماعی - فرهنگی در سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مهم و کلان کشور «ستاد ملی پیوست اجتماعی» با عاملیت سازمان برنامه و بودجه، تحت نظارت شورای اجتماعی کشور و همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذی‌ربط تشکیل گردد.

آیین‌نامه اجرایی این بند تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه هفتم توسعه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

جزء «۲» - اجرایی شدن پیوست اجتماعی به منظور پیشگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مبتنی بر برنامه‌های مصوب شورای اجتماعی کشور شامل برنامه‌ها و طرح‌های کلان توسعه‌ای، با توجه به آثار محیطی آنها به‌ویژه برای صدور مجوز به طرح‌های موضوع ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲).

تحقق پیوست‌نگاری اجتماعی نوعی تضمین برای عادلانه شدن اقدامات توسعه به‌ویژه در راستای منافع گروه‌های حاشیه‌ای و بی‌صدای جامعه به‌شمار می‌رود، اما غلبه تفکرات غیر اجتماعی بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از جمله مسائل و مشکلاتی است که فهم واقعی پدیده‌های اجتماعی را از ساحت حکمرانی اجتماعی^۱ دور کرده است. عدم التفات دستگاه تقنین و مجری به مقوله پیوست اجتماعی (ارزیابی تأثیرات اجتماعی)^۲ عامل بسیار مهمی در ضعف اثربخشی قوانین و مقررات به حساب می‌آید. طرح مسکن مهر، هدمندسازی یارانه‌ها، طرح تحول سلامت، افزایش قیمت حامل‌های انرژی (بنزین) و غیره از جمله طرح‌ها و برنامه‌هایی هستند که اگر با پیوست اجتماعی همراه بودند، شاید یا بسیاری از آنها به مرحله تصویب و اجرا نمی‌رسیدند و یا با تمهیدات و تعدیلات لازم، موجب برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد و در نتیجه ارتقای اعتماد دولت - ملت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شدند تا اینکه به ضد نیت اولیه خود تبدیل شوند.

از آنجایی که نظام اجتماعی ماهیتی فربخشی دارد؛ باید آن را به‌مثابه نظام جامع سیاستگذاری اجتماعی مدنظر قرار داد و قلمروهای نظام اجتماعی و فرهنگی از قابلیت لازم برای کنترل سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر دستگاه‌ها و بخش‌های اقتصادی کشور برخوردار باشند. در این مسیر تحقق پیوست‌نگاری اجتماعی را می‌توان به‌عنوان بستری برای جبران این نقیصه تلقی کرد که ماهیت فربخشی بودن امر اجتماعی (ناظر بر تحقق سیاست‌های پیشگیرانه و کاهش شکاف طبقاتی) را نشان می‌دهد. در این راستا در چارچوب برنامه هفتم توسعه به‌عنوان مهم‌ترین گلوگاه سیاستی کشور، پیشنهاد می‌شود که خلأ ساختاری و نهادی مربوط به موضوع پیوست‌نگاری در ایران در نظر گرفته شود و با تأسیس «ستاد ملی پیوست اجتماعی» بتوان الزامات و بسترهای تحقق این امر مهم را فراهم آورد. از این رو، در ادامه پیشنهادهای زیر در چارچوب ادبیات پیوست‌نگاری اجتماعی در لایحه برنامه هفتم توسعه ارائه می‌شود:

پیشنهادها

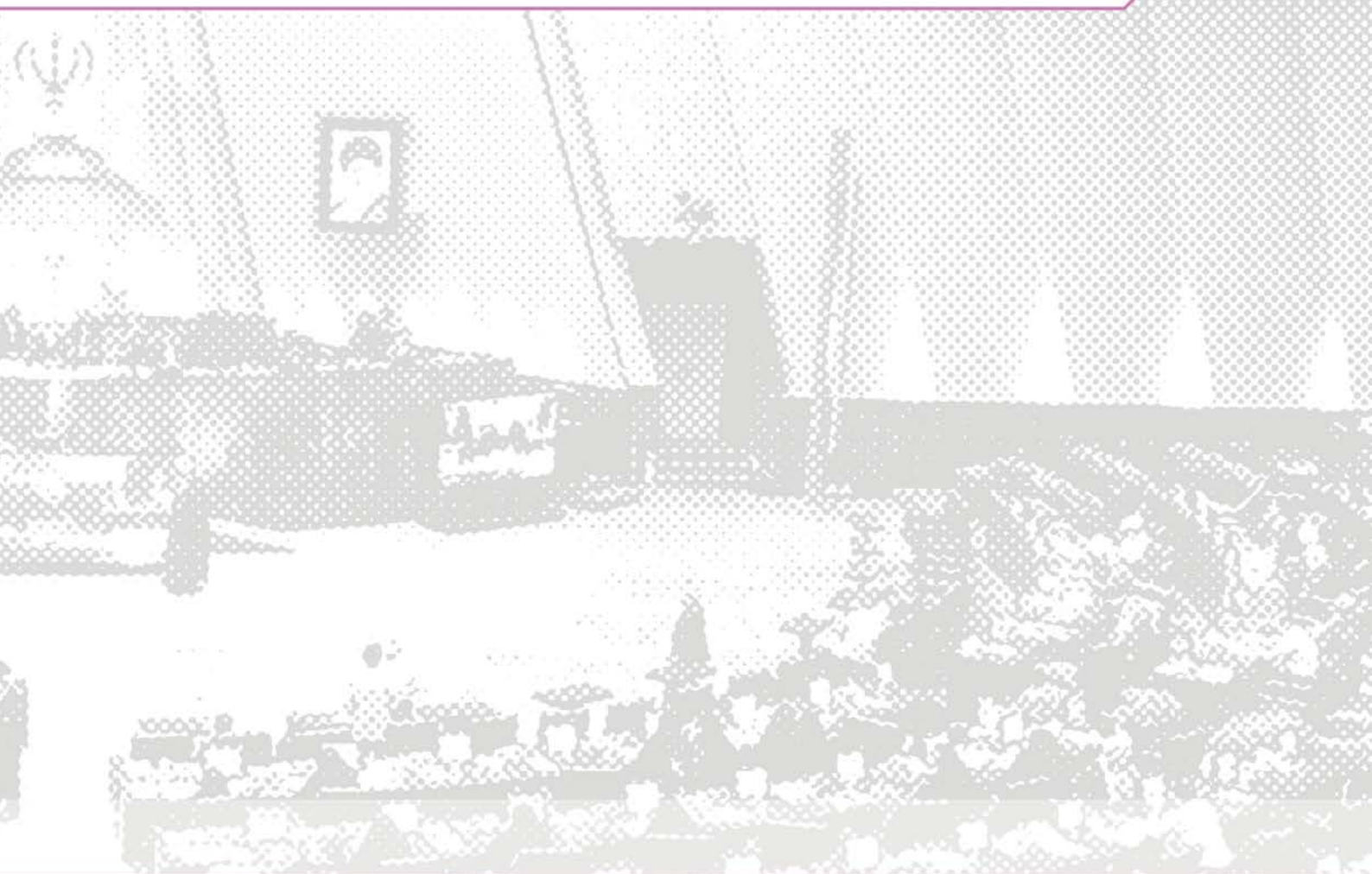
■ حذف بند «پ» ماده (۱۹): دستگاه‌های اجرایی مکلفند قبل از اجرای طرح (پروژه)‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کلان، براساس شیوه‌نامه‌ای که به پیشنهاد مشترک سازمان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، نسبت به تهیه پیوست اجتماعی اقدام نمایند.



منابع و مآخذ



۱. امامی میبدی، راضیه. (۱۳۸۹) نقش سهام‌داران در ارزیابی تأثیرات اجتماعی، در مجموعه مقالات همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، تهران، انتشارات انسان، رویان‌پژوه و معاونت اجتماعی شهرداری تهران.
۲. آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۲/۱۰/۲۱).
۳. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷/۱۱/۲۱).
۴. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹).
۵. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹).
۶. سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی سال ۱۴۰۱.
۷. سیاست‌های کلی سلامت (۱۳۹۳/۱/۱۸).
۸. سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (۱۳۹۸/۷/۶).
۹. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۸۹/۱۰/۱۵).
۱۰. قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶/۱/۱۶).
۱۱. لایحه برنامه هفتم توسعه ۱۴۰۲.
۱۲. مصوبه ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۰/۴/۱۲).
۱۳. مصوبه شورای شهر تهران سال ۱۳۸۶.
۱۴. مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست سال ۱۳۷۳.
۱۵. نقشه مهندسی کشور (۱۳۹۱/۱۲/۱۵).



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ (۱۵ خط) صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir